

آتش و پنبه

(دوره مقدماتی داستان نویسی)

www.ketab.ir

نویسنده:

محمد جواد سامع

۱۳۹۹

سرشناسه : سامع، محمدجواد، ۱۳۵۶ -
 عنوان و نام پدیدآور : آتش و پنبه (دوره مقدماتی داستان‌نویسی) / نویسنده
 محمدجواد سامع؛ ویراستار فروغ حداد.
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات سلمان آزاد، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری : ۱۱۶ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 شابک : ۳۸۰۰۰۰ ریال ۵-۵۳۵۷۷۴-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : داستان‌نویسی
 موضوع : Fiction -- Authorship
 رده بندی کنگره : ۳۳۵۵PN
 رده بندی دیویی : ۸۰۸ / ۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۷۵۱۸۹۱۲

آتش و پنبه (دوره مقدماتی داستان‌نویسی)

نویسنده: محمد جواد سامع

ویراستار: فروغ حداد / طراح جلد: فاطمه آقایی

انتشارات سلمان آزاد www.iranth.com

چاپ اول / ۱۳۹۹ / ۵۰۰ نسخه / بها ۳۸ هزار تومان



انتشارات سلمان آزاد

www.IRANTH.com

۰۲۱-۲۲۸۶۹۲۱۷

۷	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۹	کلاس من
۲۹	خبر... خبر... خبر...
۳۹	ادامه دارد...
۴۳	درس‌های داستان نویسی یا عناصر داستان
۵۳	تکلیف
۵۷	سینما
۶۷	ضدّ روایت
۸۱	کلید
۸۷	یادها و خاطره‌ها
۹۵	بوی سیب
۱۰۳	...ادامه دارد...
۱۱۳	کلام آخر

“پیشگفتار”

زندگی ما کتابی است که برگ برگ آن متعلق به روزها و لحظه‌های طی شده یا در حال آمدن است.

آشنایی با بعضی انسان‌ها، مثل ورق زدن آن کتاب است و گشودن صفحه‌ای تازه و دیدن تصویری نو یا خواندن سطرهایی شگفت.

یادم نمی‌رود اولین باری را که در انجمن ادبی جوانان شهرضا، جوان ریزنقشی آمده بود و هم خوب حرف می‌زد هم متفاوت. هر مطلبی را تحلیل می‌کرد. معلوم بود جدی و حرفه‌ای کتاب خوانده است. از سینما می‌گفت و کاراکترها و از ادبیات و اسطوره‌ها. کتاب‌هایی در موضوع جنگ‌های جهانی خوانده بود و در این باره حرف‌ها برای گفتن داشت.

شعرهای خوانده‌شده را به فراخور حال، تحلیل می‌کرد و البته بیشتر، برخوردش ستایش‌آمیز بود تا سخت‌گیرانه -برخلاف من- از دوستانم نامش را پرسیدم. دیدم هم فامیل من است، بی آنکه بشناسمش.

بعد از پایان جلسه، باهم قدم زنان مقدار راه مشترکی را به گفت‌وگو و پرسیدن شرح حال و کارهایی که می‌کند، گذرانیدیم. و دوستی ما آغاز شد و ادامه یافت.

مشغول تحصیل بود. دانشگاه هنر، رشته‌ی سینما -تدوین - می‌خواند. سوادش خوب بود. بعداً دیدم که دستی در نوشتن دارد.

یک‌بار تعدادی از داستان‌های کوتاهش را برایم آورد. (حوالی سال‌های ۸۰ یا ۸۱) بیشتر در ژانر سیاسی-عاشقانه بود. چند شکنجه‌گر که جدای از شکنجه‌های جسمی، با واژه‌های رکیک و توهین‌های تلخ، مخالفان را آزار روحی می‌دادند؛ و از قلم این پسر جوان آن روزها در شگفت بودم که چقدر روان و راحت و بی‌پروا می‌نویسد.